جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن از منظر شعر عرب

علی بنائیان اصفهانی [1]
الهام آقادوستی [2]
فائزه پسندی [3]

چکیده: خداوند بلندمرتبه در کتاب عظیم‌الشأن خود مکرّراً به ستایش مقام والای اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازد و سراسر قرآن شامل آیاتی است که به طور مستقیم و غیر مستقیم، به منزلت ایشان اشاره دارد. در این میان، عظمت خاندان نبوی علیهم‌السلام که در اشعار ادبای شاخص جهان عرب، اعمّ از سنّی و شیعه، معاصر و غیر معاصر، ترسیم شده، قابل تأمّل و بررسی است؛ ادیبان برجسته‌ای که همواره ارادت خالصانهٔ خود را به ساحت مقدّس خاندان پیامبر عرضه داشته‌اند. این مقاله بر آن است تا برخی از آیات قرآن را که در شأن این خاندان نازل‌گردیده، با استناد به اشعاری که شعرای عرب در این زمینه سروده‌اند، بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم / اهل بیت / شعر عرب / شعرای عرب.

---

۱. پژوهشگرومدرس دانشگاه. Ali_banaeian@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب. E_doosty@yahoo.com
۳. کارشناس ارشد زبان وادبیات عرب. Faezehpasandi@yahoo.com

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

بیان موضوع

موضوع این مقاله آشنایی با جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن، با استناد به اشعار مشهورترین و مهم‌ترین شاعران عرب، موضوع این مقاله است. گردآوری تمام آیات مربوط به اهل بیت علیهم‌السلام با توجّه به محدود بودن مقاله امکان‌پذیر نمی‌باشد، لذا در این مختصر کوشیده‌ایم با بررسی بیش از سی آیه، به اهمیّت جایگاه این خاندان در قرآن اشاره کنیم؛ ضمن آن که در خلال بحث، به ابیات بیست شاعر عرب نیز اشاره می‌شود که در مدح اهل بیت و بیان جایگاه آنها در قرآن به رشتهٔ نظم در آورده‌اند.

در این مقاله، بیشتر بر منابع معتبر تفسیری و حدیثی بزرگان اهل تشیّع و اهل تسنّن و دواوین شاخص‌ترین شعرا تکیه شده است تا صحت مطالب مورد تردید واقع نگردد.

در هر قسمت، پس از ذکر آیهٔ مربوط به اهل بیت علیهم‌السلام، به شأن نزول آن آیه پرداخته می‌شود، سپس شرح و توضیح مختصری از آیات (گاه همراه روایت و یا حدیثی) ارائه شده و در این زمینه به بیت یا ابیاتی از یکی از مشهورترین شعرای قدیم یا معاصر عرب اشاره می‌گردد و در مورد هر شعری، اقتباس، تضمین یا تلمیح بودن آن نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیش از آغاز بحث، لازم است در مورد اقتباس، تضمین و تلمیح نیز توضیحاتی ارائه شود، چه هر یک از این شعرا در ابیات خود با تمسّک به یکی از این آرایه‌ها به سخن‌سرایی پیرامون اهل بیت پرداخته‌اند.

ـ اقتباس: اقتباس در لغت، به معنی شعله گرفتن یا نور گرفتن است و در اصطلاح، عبارت است از اینکه گوینده در نثر یا شعرش، چیزی از قرآن یا حدیث بگنجاند به گونه‌ای که اعلان نکند این از قرآن یا حدیث است؛ یعنی نگوید «**قال الله**» یا «**قال رسول الله**» که معلوم شود از اینها اقتباس کرده است. در اقتباس دو شرط باید رعایت گردد: ۱ـ اینکه اعلان نگردد آنچه گرفته شده از قرآن یا حدیث است. ۲ـ تغییر لفظ

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

در آن اندک باشد.(هاشمی، ص ۳۷۵)

ـ تضمین: آن است که شاعر چیزی از شعر مشهور دیگران را در دل شعر خویش جای دهد. اگر پیش ناقدان شعر و سخنوران (اهل زبان) مشهور نباشد، تذکّر دهد که شعر از کیست و با این کار بر زیبایی شعر او افزوده می شود. (همو، ص ۳۷۶)

ـ تلمیح: یعنی اشاره کردن به داستان معیّن یا شعر مشهور یا ضرب‌المثلی بدون ذکر هریک از آنها.(همو، ص ۳۷۸)

اهداف مقاله

۱. آشنایی خواننده با آیاتی که در شأن اهل بیت نازل شده که نزول برخی از این آیات را در شأن اهل بیت، جز پس از آگاهی از شأن نزول آنها، نمی‌توان دریافت.

۲. آشنایی خواننده با روایات و احادیثی که به ارتباط بین آیات و اهل بیت، اشاره دارد.

۳. آشنایی خواننده با اشعار مشهورترین شعرای عرب که به جایگاه اهل بیت در قرآن از منظر شعر نگریسته و در این باب سخن‌سرایی کرده‌اند.

شیوهٔ نگارش مقاله

این مقاله که با شیوهٔ تحلیلی ـ توصیفی نگاشته شده، به بررسی منزلت و مرتبهٔ اهل بیت علیهم‌السلام و بیان جایگاه آنان در قرآن کریم از منظر شعر عرب می‌پردازد.

اهل بیت (علیهم آلاف التّحیه و السَّلام)

از خلال تأمّل در متون معتبر دینی، اهل بیت را دارای مقامی رفیع و منزلتی والا و درجه‌ای می‌یابیم که خدا و رسولش آن را بی‌نهایت توصیف می‌کنند آن‌چنان که امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

لَا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّد صلی‌الله‌علیه‌وآله مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَ لَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَداً هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ إِلَيْهِمْ يَفِي ءُ الْغَالِي وَ بِهِمْ يُلْحَقُ

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

التَّالِي وَ لَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوِلَايَةِ وَ فِيهِمُ الْوَصِيَّةُ وَ الْوِرَاثَةُ» (سیّدرضی، ص ۴۵)

از این امّت کسی را با خاندان رسالت هم‌پایه نتوان پنداشت، و هرگز نمی‌توان پرورده نعمت ایشان را در رتبت آنان داشت که آل محمّد صلی الله علیه و آله پایه دین و ستون یقین‌اند. هر که از حد درگذرد به آنان بازگردد، و آن که وامانده، بدیشان پیوندد. حقّ ولایت خاصّ ایشان است و میراث پیامبر مخصوص آنان. (شهیدی، ص ۹)

قرآن کریم در آیات فراوانی، مقام، منزلت، صفات و فضایل اهل بیت علیهم السلام را یادآور می‌شود که از آن جمله می‌توان به آیهٔ تطهیر، مباهله و... اشاره نمود که به برخی از آنها اشاره خواهیم نمود.

در این مقاله به بررسی دوگروه از آیات می‌پردازیم. اوّل، آیاتی که درون‌مایهٔ آن در شأن پنج تن آل پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است. دوم، آیاتی که مربوط به یکی از افراد این خاندان مطهّر است. هر قسمتی را به طور مجزّا بررسی می‌کنیم و در هر دسته، عنوان اصلی را یکی از آیات قرآن کریم قرار خواهیم داد.

الف) آیاتی در شأن پنج تن آل کساء

۱. ﴿**قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى**﴾ (شوری (۴۲) / ۲۳) *بگو به ازای آن (رسالت) پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی دربارهٔ خویشاوندان.*

شأن نزول: هنگامی که این آیه نازل گردید، از رسول خدا سؤال شد: یا رسول‌الله، این اقربائی که دوستی آنها بر ما واجب است، چه کسانی‌اند؟ پیامبر فرمود: علی و فاطمه و دو پسر آنها. (ابی‌الحاتم، ج ۱۰، ص ۳۲۷۶)

در اینجا شاعر معاصر عرب "حاج محمّد علی حاج حسین"[1] با اقتباس از آیهٔ قربی، سروده است:

۱. استاد حاج محمّدعلی‌بن حاج أبوالحسن حلّاق حرّی، به سال ۱۹۳۹ م در کربلا به دنیا آمد و هم اکنون در عراق در قیدحیات است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

وَ بِآيٍ فَـــلا أبـــتَغِي لِـــرِسالَتِي شَـيئاً مِـنَ الصَّـفَراءِ وَ البَـيضَاءِ
إلّا المَوَدَّةَ في ذَوِي القُـربي وَ هُـم نَسـلُ الوَصيِّ وَ عِـترةُ الزَّهـرَاءِ

(مؤیّد، ج ۱، ص ۴۵۱)

یعنی: (در خصوص آیاتی که در شأن و منزلت ایشان نازل شده و بیانگر فضیلت ایشان است)، می‌توان به آیهٔ مودّت اشاره کرد که در آن پیامبر دستمزد رسالتش را طلا و نقره قرار نداد، بلکه دوستی با خاندانش را که شامل زهرای مرضیه و علی مرتضی و فرزندان ایشان است، اجر رسالتش قرار داد.

نامگذاری اهل بیت علیهم‌السلام به ذی القربی، درآیهٔ دیگری آمده است:

﴿**وَ آتِ ذَا الْقُرْبى حَقَّهُ وَ الْمِسْكينَ وَ ابْنَ السَّبيلِ وَ لَا تُبَذِّرْ تَبْذيراً**﴾ (اسراء (۱۷) / ۲۶): *و حقّ نزدیکان را بپرداز، و (همچنین حق) مستمند و وامانده در راه را. و هرگز تبذیر مکن.*

شرح و توضیح: جلال الدین سیوطی می‌گوید: هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر خدا فاطمه علیهاالسلام را فرا خواند و فدک را به او بخشید. (سیوطی، ج ۴، ص ۱۷۷)

شیخ عبدالحسین حویزی[1] با تلمیح و اشاره به ماجرای اعطای فدک به فاطمه علیهاالسلام، چنین می‌گوید:

فدكٌ في حياةِ أحمَدَ أعْطَتْهُ يمـينُ الهُـدى إلى قُـرباهَا

(مؤیّد، ج ۵، ص ۲۴۳)

یعنی: پیامبر رحمت و هدایت در زمان حیات خود، فدک را به اهل بیتش اهدا نمود.

۲. ﴿**إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجسَ أَهلَ البَيتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطهِيراً**﴾ (احزاب(۳۳) / ۳۳): *خداوند اراده می‌کند که پلیدی و ناپاکی را از شما اهل بیت دور کند و شما را مطهّر سازد.*

شأن نزول: هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در منزل امّ‌سلمه بود. آن

۱. شیخ عبدالحسین حویزی عالم بزرگ وشاعر توانمند (۱۲۸۷ـ۱۳۷۷ق) نزد ادیبان مشهور زمان خود از جمله سیّد ابراهیم طباطبایی بر ادب آگاهی یافت و به آموختن علوم اسلامی، ریاضی و هندسه پرداخت. (دیوان حویزی، باب حیاة الشاعر)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام را فراخواند و آنها را زیر کساء قرار داد. سپس فرمود: خداوندا، اینها اهل بیت من هستند، پس پلیدی را از آنها دور کن و پاک و مطهر قرارشان ده. و سه مرتبه آن را تکرار فرمود. سپس ادامه داد: خداوندا. صلوات و برکات خود را بر آل محمّد قرار بده. (ابن کثیر، ج ۶، ص ۳۶۸)

سیوطی نقل می‌کند: پیامبر به مدّت شش ماه هر روز صبح هنگام عبور از خانهٔ امیرالمؤمنین علیه‌السلام این آیه را تلاوت می‌کرد و می‌فرمود: ای اهل بیت من، به نماز بشتابید.(سیوطی، ج ۵، ص ۱۹۹)

شعرای عرب، این آیه را که در وصف اهل بیت است، به گونه‌های مختلف در اشعار خود آورده‌اند. در اینجا به دو مورد از این ابیات اشاره می‌کنیم.

شیخ هادی کاشف‌الغطاء[1] با تضمین این آیه می‌گوید:

وَ آیَـةُ التَّـطْهِیرِ قَـدْ دَلَّتْ عَـلَی عِـصْمَتِهَا مِـنَ الذُّنُـوبِ کَـمَلَا
أَذْهَبَ عَـنهَا رَبُّهَـا الرِّجسَ کَـمَا طَـهَّرَهَا فِي الخَـلقِ عَـمّا وَصَمَا

(مؤیّد، ج ۱، ص ۵۹۷)

یعنی: و آیهٔ تطهیر به عصمت کامل او (حضرت زهرا) ازهمهٔ گناهان دلالت می‌کند. و خداوند پلیدی را از وی دور کرد همان طور که او را در میان خلق پاک و مطهّر قرار داد.

سیّد مرتضی قزوینی[2] نیز با تضمین این آیه چنین می‌گوید:

أَذْهَبَ اللهُ رَبُّـنَا الرِّجْسَ عَـنْهُمْ أَهْلُ بَیْتٍ قَدِ احْـتَوَاهَـا الْکِسَـاءُ

(همان، ج ۱، ص ۴۷۴)

۱. ابومحمّد رضا هادی‌بن عبّاس‌بن علی‌بن شیخ جعفر صاحب کشف الغطاء(۱۲۸۹ـ۱۳۶۱ق) دانشمند بزرگ، أدیب مشهور و شاعرتوانای عراقی.(مؤیّد، باب الشعراء)

۲. مرتضی‌بن سیّد صادق‌بن سیّد محمّدرضابن سیّد هاشم موسوی قزوینی(زاده ۱۳۴۹ق. کربلا) که نسبتش به امام موسی کاظم علیه‌السلام می‌رسد هم اکنون جزء خطبا و شعرای برجستهٔ عراقی به شمار می‌رود.(مؤیّد، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۴۷۲)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

یعنی: خداوند، ناپاکی را از آنان دور کرد، اهل بیتی که پیامبر آنها را زیر کساء خود جمع نمود.

۳. ﴿**أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللهُ مَثَلاً كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ**﴾ (ابراهیم (۱۴) / ۲۴): *آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؟*

شرح و توضیح: سلام خثعمی از امام صادق علیه‌السلام در مورد این آیه پرسید: منظور از ﴿**أصلهَا ثَابِتٌ وَ فَرعهَا فِي السَّمَاءِ**﴾ چیست؟ امام فرمود: ای سلام، درخت، محمّد است و شاخهٔ اصلی، امیر المؤمنین و میوه، حسن و حسین و ترکهٔ آن، فاطمه و شاخه‌های کوچک‌ترش، امامان علیهم‌السلام هستند. (صالحی اندیمشکی، ص ۲۵۷)

حاج محمّد علی شاعر، این آیه را این‌چنین با استفاده از صنعت تلمیح به تصویر کشیده است:

هِيَ أصلُ أغصانٍ تُضيءُ فُروعُها أنــوارَ أعــلامِ التُّـقَي النُّـجَبَاءِ

(مؤیّد، ج ۱، ص ۴۵۱)

۴. ﴿**فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ**﴾ (بقره (۲) / ۳۷): *سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود و (خدا) او را بخشید.*

شرح و توضیح: خداوند در این آیه به کلماتی اشاره می‌کند که آنها را به حضرت آدم تعلیم نمود و سپس به‌وسیلهٔ آنها توبهٔ او را پذیرفت. در مورد این کلمات، روایات زیادی نقل شده، از جمله روایت زیر:

حافظ نجّار از ابن عبّاس نقل می‌کند: از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله در مورد کلماتی که آدم آنها را از پروردگارش دریافت نمود و به‌وسیلهٔ آن توبه‌اش پذیرفته شد، سؤال کردم، ایشان پاسخ داد: او خدا را به حق محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین سوگند داد، پس خداوند هم توبهٔ او را پذیرفت. (فرات کوفی، ص ۵۷)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

در این زمینه، شیخ هادی کاشف الغطاء با تلمیح به ماجرای این توبه و چگونگی عفو الهی، سروده است:

مَنْ بِهِم تَابَ الإلهُ و عَفَا عَنْ آدَمٍ وَ قَدْ كَفَاهُ شَرَفا

(مؤیّد، ج ۵، ص ۵۹۸) یعنی: *آنان کسانی‌اند که خدابه خاطر ایشان توبهٔ آدم را پذیرفت و از او درگذشت. و همین شرف او را بس است.*

۵. ﴿**فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبنَاءَنَا وَ أَبنَاءَكُم وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُم وَ أَنفُسَنَا وَ أَنفُسَكُم ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعنَتَ اللهِ عَلَى الكَاذِبِينَ**﴾ (آل عمران (۳) / ۶۱): *بگو بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و خویشان نزدیک خود را فراخوانیم؛ سپس مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.*

شأن نزول: اشاره به رویداد مباهله دارد که طی آن قرار شد پیامبر با نصارای نجران مباهله کند، یعنی همدیگر را نفرین کنند، تا خداوند طرف دروغگو را لعنت و عذاب کند. در روز موعود علمای نصاری جمع شده و با کمال تعجّب دیدند پیامبر تنها همراه یک زن و یک مرد و دو کودک آمده است. در آن روز اسقف نصاری به آنها گفت: ای گروه نصاری، من امروز کسانی را می‌بینم که اگر خدا بخواهد به خاطر آنها کوهی را از جا برکند چنین می‌کند، پس مباهله نکنید که هلاک می‌شوید و تا روز قیامت هیچ نصرانی بر زمین باقی نخواهد ماند. (طبرسی، ج ۲، ص ۷۶۲)

شرح و توضیح: پیامبر در روز مباهله، همراه خاندان خود به این مراسم رفتند. در این آیه منظور از «**ابناءنا**» امام حسن و امام حسین، منظور از «**نساءنا**» تنها حضرت زهرا، و منظور از «**أنفسنا**» حضرت علی علیه‌السلام می‌باشند که پیامبر، ایشان را همچون نفس خود به حساب آورده؛ گویی دو روح در یک تن می‌باشند. همهٔ این‌ها بیانگر عظمت مقامی است که خداوند، آن را مخصوص این خاندان قرار داده است، به طوری که این پنج تن را به مثابهٔ همهٔ امّت اسلامی قرار داده و آنها را برای ابتهال پیامبر با نصاری برگزیده است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

شعرا از دیرباز تاکنون این ابتهال را به اشکال مختلف در اشعار خود عنوان نموده‌اند. نمونهٔ آن بیت زیر است از صفی الدین الحلّی[1] که با اشاره و تلمیحی زیبا آن را چنین به نظم در آورده:

بکُم باهَلَ النّبيُّ و لم يُـلْفِ لکُم خامساً سِـواهُ يُـزادُ

(حلّی، ص ۸۹)

یعنی: پیامبر به‌وسیلهٔ شما مباهله کرد و برای شما پنجمین تنی جز خود نیافت.

۶. ﴿**مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيانِ * بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ* يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ**﴾ (الرحمن (۵۵) / ۱۹ـ۲۰ـ۲۲): *دو دریا را (به‌گونه‌ای) روان کرد (که) به هم برخورد کنند * میان آن دو حد فاصلی است که به هم تجاوز نمی‌کنند * از هر دو دریا مروارید و مرجان برآید.*

امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود: منظور از ﴿**مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيانِ**﴾ علی و فاطمه‌اند، که چونان دو دریای ژرف‌اند که هیچ یک بر دیگری تجاوز نمی‌کند. و در روایتی دیگر آمده: در آیهٔ ﴿**بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ**﴾ منظور از برزخ، رسول الله است. در آیهٔ ﴿**يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ**﴾ منظور امام حسن و امام حسین علیهماالسلام هستند. (ابن شهرآشوب، ج ۳، ص ۳۱۸ـ۳۱۹)

حاج محمّد آل رمضان احسائی[2] با تضمین این آیه، گوید:

بحـرانِ کـانت لهُـما بَـرزخـاً أَخـرجَتِ المَـرجَـان و الدُّرّا

(مؤیّد، ج ۳، ص ۲۶۱)

یعنی: علی و فاطمه دو دریا هستند که بین آنها حد فاصلی چون پیامبر وجود دارد و از آن دو، لؤلؤ و مرواریدی همچون حسنین به وجود آمدند.

---

۱. عبدالعزیزبن سرایابن ابی‌القاسم طائی معروف به صفی‌الدین حلّی (۶۷۷ ق، حلّه ـ ۷۵۰ ق. بغداد). وی دارای قصائد طولانی، قطعات و ابداعاتی از جمله موشّح مضمّن د رنظم است. دیوان اهل بیت از دیگر آثار اوست. (زرکلی، ۱۹۶۹، ج ۴، ص ۶۰)

۲. شیخ رمضان آل محمّد احسائی، شاعر وادیب دراحساء مرکز شهر لهفوف به دنیا آمد و به کسب علوم فقهی وعقیدتی و بلاغت همت گمارد. اشعار وی سراسر عرض ارادت به پیامبر و خاندان عظیم الشأن ایشان است.(Historylib.com)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

۷. ﴿يُوفُونَ بِالنَّذرِ وَ يَخَافُونَ يَوماً كَانَ شَرُّهُ مُستَطِيراً * وَ يُطعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسكِيناً وَ يَتِيماً وَ أَسِيراً﴾ (انسان (۷۶) / ۷و ۸) : *(آن ها) به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که گزند آن فراگیرنده است خود را درامان نمی‌بینند و به (پاس) دوستی (خدا) بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دهند.*

شأن نزول: این آیات در وصف امیرالمؤمنین و حضرت زهرا و حسنین علیهم‌السلام نازل شده است که به سبب بیماری حسنین نذر کردند سه روز روزه‌داری کنند و پس از شفای آنان، به نذر خود عمل کردند. لیکن به‌طور متوالی سه شب در هنگام افطار، غذای خود را به فقیر، اسیر و یتیم صدقه دادند و این آیه در وصف این خاندان مطهّر نازل گردید. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۱۱)

دیک الجن[1]، در عرض ارادت به محضر اهل بیت با تضمین این آیات چنین می سراید:

شرفي محـــبّةُ مَـــعْشَرٍ شَرُفوا بِسورةِ «هل أتى»...

(دیک‌الجن، ص ۴۷)

یعنی: شرف و مایهٔ مباهات من دوستی با جماعتی است که سورهٔ «هل أتی» در وصف آنان نازل گردید.

۸. ﴿اللهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الأرضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشكَاةٍ فِيهَا مِصبَاحٌ المِصبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوكَبٌ دُرِّيٌّ﴾ (نور (۲۴) / ۳۵) : *خدا نور آسمانها و زمین است. مثل نور چون چراغدانی است که در آن چراغی، و آن چراغ در شیشه‌ای است. آن شیشه گویی اختری درخشان است.*

شرح و توضیح: در روایتی چنین آمده: مشکاة (چراغدان) فاطمه، مصباح (چراغ) حسن، زجاجة (شیشه) حسین، و فاطمه اختری درخشان در میان زنان جهانیان

۱. عبدالسلام‌بن حبیب کلبی ملقب به دیک الجن (۱۶۱ ق. حمص- ۲۳۶ ق) اشعار بسیاری در وصف اهل بیت علیهم‌السلام سروده که نهایت شجاعت ومحبّت او به ایشان را بیان می‌دارد. (ابن‌خلّکان، ج ۳، ص ۱۸۴)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

است.(حویزی، ج۳، ص۶۰۲)

عبدالصمد خامنه‌ای با تضمین این آیه می سراید:

فِي زُجــاجٍ كَأَنّــهُ الكَـوكبُ الدريُّ نـــــوراً جَــلا سَــناهُ الظَّــلاما

(خامنئی، ص۳۶)

یعنی: ایشان چونان نوری درون شیشه هستند و آن شیشه، گویی اختری درخشان است که ظلمت را نابود می‌کند.

۹. ﴿**وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا**﴾ (آل عمران (۳) / ۱۰۳) : *و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.*

شرح و توضیح: منظور از «ریسمان الهی» در این آیه خاندان پیامبر است که عامل وحدت میان مسلمانان‌اند و سبب می شوند که از پـراکـندگی و ضـلالت در امـان بمانند.

شافعی[1] با تضمین این آیه در شعری معروف خطاب به خاندان نبوی می‌گوید:

وَ أمسَكتُ حَـبلَ اللهِ وَ هـوَ وَلاؤُهُـم كَــما قَــد أُمِـرنَا بِـالتَّمَسُّكِ بِـالحَبلِ

(قمی، ج۲، ص۳۲۰)

یعنی: و به ریسمان الهی که ولایت آنان (اهل بیت) است چنگ زدم، آن‌چنان که خداوند متعال به چنگ زدن به این ریسمان امر نموده است.

۱۰. ﴿**إِنَّا عَرَضْنَا الأَمَانَةَ عَلَى السَّمَواتِ وَ الأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الإِنْسَانُ**﴾ (احزاب (۳۳) / ۷۲) : *ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم، پس، از برداشتن آن سرباز زدند و از آن هراسناک شدند و انسان آن را برداشت.*

شرح و توضیح: مفضّل بن عمر می‌گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال ارواح را دو هزار سال قبل از اجساد آفرید و بالاترین و شریف ترین آنـها را ارواح

۱. محمّدبن ادریس شافعی (۲۰۴ـ۱۵۰) درشهر غزه و به قولی سوریه زاده شد و پس از سفر به مکّه در زمینه‌ی علوم فقهی به تکامل رسید. وی یکی از علمای اهل‌سنّت است که در اشعار خود هـمواره ارادت خاصی به اهل بیت ازجمله امام علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام داشته است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

محمّد و علی فاطمه و حسن و حسین و امامان پس از آنها قرار داد. سپس آنها را بر آسمان و زمین و کوهها عرضه داشت به طوری که انوار ایشان، آنها را فـرا گـرفت آنگاه فرمود: اینان اولیاء و محبین و حجّتهای مـن بـر مـردم هسـتند، هـیچ‌کس را محبوب‌تر از اینان نیافریدم. برای آنان که ایشان را دوست بدارند بهشت را آفریدم و برای آنان که با ایشان مخالفت کنند آتش را خلق کردم. پس ولایت و دوستی آنها نزد مخلوقاتم امانت است. حال کدام‌یک از شما این امانت را می‌پذیرد؟ آسمان و زمین و کوهها از پذیرفتن آن سر باز زدند و از بزرگداشت منزلت آنها بیم داشتند... و لیک انسان آن را پذیرفت. (فیض کاشانی، ج ۱، ص ۲۷)

این آیه حاکی از آن است که خداوند متعال دوستی اهل بـیت پـیامبر و ائـمهٔ معصومین علیهم‌السلام را بر انسانها واجب و لازم فرموده است و آن را چون امانتی سنگین و پر مسئولیت بر دوش آنها قرار داده است.

شیخ عبدالله‌بن معتوق[1]، در ابیاتی خطاب به حضرت حجّت (عجّل‌الله تعالی فرجه)، با تلمیحی ظرافتمندانه ایشان و همهٔ ائمهٔ معصومین را امانت الهی معرّفی کرده و چنین می‌گوید:

یـــا آیـــةَ الحـــقِّ حـــقّاً یـا أمـانَتَهُ و البابُ و الوَجهُ و السِّرُ الذي حُجِبا

(مؤیّد، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۱۱۱)

یعنی: ای نشانهٔ حق، ای امانت الهی، ای باب و وجه و سرّی که در پس پرده مستوری.

۱۱. ﴿**فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى**﴾ (آل عمران (۳) / ۱۹۵)، *: پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد (و فرمود که:) من عمل هیچ صاحب عملی از شما را، از مرد یا زن، تباه نمی‌کنم.*

شرح و توضیح: در تفسیر این آیه آمده است که امیر المؤمنین در شب هـجرت

۱. شیخ عبدالله‌بن معتوق دانشمند فقیه و فرزانه (۱۲۷۴ هـ، حجاز- ۱۳۶۲) دارای تألیفات ارزشمندی در بیان واحکام و... است. (مؤیّد، ۱۴۲۶، باب الشعراء)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

همراه با فاطمه دختر پیامبر و چند زن دیگر به مدینه هجرت فرمود. مصداق «ذَکَر» در این آیه حضرت علی علیه‌السلام و مصداق «اُنثی» حضرت زهرا علیهاالسلام است.

در این زمینه فرطوسی [1] با تضمین این آیه چنین می سراید:

قـالَ فِي الذِّكـرِ: لا يُـضَيَّعُ عِـندي عَـــمَلُ العَــامِلينَ دونَ جَــزاءِ
ذَكَــراً كَـانَ ـ وَهـوَ يَـعني عـليّاً ـ أم لأنـــثَى كَــالبَضعَةِ الحَــورَاءِ
حِــينَ مِــن مَكَّــة لِـيَثرِبَ لَـيلاً هــاجَرا نَحــوَ خَــاتَمِ السُّــفَرَاءِ

(مؤیّد، ج ۱، ص ۳۰۶)

یعنی: (خداوند) در قرآن فرمود: اعمال نزد من بدون پاداش از بین نمی‌رود، چه مرد باشد ـ یعنی امام علی علیه‌السلام ـ چه زنی همچون صدیقه حوراء؛ زمانی که شبانه از مکّه به سوی یثرب و به نزد خاتم المرسلین مهاجرت کردند.

۱۲. ﴿**لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْساً وَلَا زَمْهَرِيرًا**﴾ (انسان (۷۶) / ۱۳) : *در آنجا(بهشت)، نه آفتابی بینند و نه سرمایی.*

شرح و توضیح: ابن‌عبّاس گوید: در حالی که بهشتیان در جایگاه نیکوی خود به سر می‌برند، ناگاه نوری می بینند که بهشت را روشن می‌کند. می پرسند: پروردگارا، تو در کتاب خود فرمودی که بهشتیان خورشیدی نمی بینند (پس این نور چیست؟) در این هنگام، منادی ندا می دهد: این نه نور خورشید است و نه نور ماه، بلکه نوری است که از لبخند علی و فاطمه حاصل شده و بهشت را منوّرگردانیده است. (ابن شهرآشوب، ج ۳، ص ۳۲۹)

عبد المنعم فرطوسی در ابیات زیر با اقتباس از این آیه و با تلمیح بدین حدیث می‌گوید:

إنَّ أهـلَ الجـنانِ يـشرقُ فـيهم خـيرُ نـورٍ يـزهو بخـيرِ سـناءِ

۱. فرطوسی (۱۳۳۵ق. عراق ـ ۱۹۸۳ م) به فراگیری دروس دینی و انسانی نزد بزرگانی چون آیت الله خوئی پرداخت و به نظم شعر روی آورد. وی علاوه بر دو دیوانش، دارای ملحمه‌ای درباره اهل بیت علیهم‌السلام است که به هشت مجلد می‌رسد.(تمیمی ،ص ۲۵۹)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

فـيقولونَ: ربَّـنا قـلتَ صـدقاً | في صريحِ الكـتابِ دون افـتراءِ
ليس فـيها شمسٌ و لا زمـهريرٌ | أيِّ شيءٍ أوفى بهـذا البهـاءِ
فـيجيءُ النـداءُ للـخلقِ مـنهُ | ليسَ هـذا السَّـنا بـنورِ ذُكـاءِ
إنَّ عـبدَيَّ فـاطماً و عـليّاً | ضـحكَا مِـن تـعجّبٍ و هَـناءِ
فـتجلّى في جـنّة الخُـلدِ نـوراً | بـرقُ ثـغريهِما بأسـنى ضـياءِ

(مؤيّد، ج ۱، ص ۲۹۶)

یعنی: در میان بهشتیان، نوری درخشان می‌تابد. می‌گویند: پروردگارا تو در قرآن ـ کتابی که هیچ دروغی در آن نیست ـ فرمودی: در بهشت نه خورشیدی است و نه سرمایی، چه چیزی (می‌تواند) بهتر این جلال و عظمت را بیان کند؟ ندایی برای مردم می‌آید که این نور، نور خورشید نیست. بندگان من فاطمه و علی علیهما السلام از چیزی به شگفت آمده و خندیده‌اند. از برق دندانهای آنها این چنین بهشت نورانی شده است.

۱۳ـ ﴿**لَا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضاً**﴾ (نور (۲۴) / ۶۳) : *صدا کردن پیامبر را در میان خود، مانند صدا کردن یکدیگر قرار ندهید.*

شأن نزول: یکی از اعراب وارد مسجد پیامبر شد و با صدایی بلند و توهین آمیز، گفت: محمّد کجاست؟ پس این آیه نازل شد و به آنها دستور داد تا پیامبر را محترمانه با لقب «**یا رسول الله**» و «**یا نبی الله**» صدا کنند. (طبرسی، ج ۷، ص ۲۴۸)

شرح و توضیح: هنگامی که این آیه نازل شد، حضرت زهرا علیها السلام دیگر پیامبر را با عنوان پدر خطاب نکرد، بلکه ایشان را «**یا رسول الله**» خطاب می‌کرد. پیامبر ایشان را از این امر بازداشت و فرمود: این آیه نه در مورد تو و نه در مورد خانواده و فرزندان تو نازل شده، بلکه درمورد قومی نازل شده که با لحنی توهین آمیز مرا مورد خطاب قرار می دادند.

شاعر عراقی عبد المنعم فرطوسی با اقتباس از این آیه و با تلمیح به ماجرای حدیث مذکور چنین می گوید:

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

وَ لقَـد هَـابَت الرَّسـولَ فـنَادَت: يَـا رسـولَ الإلهِ وقتَ النِّـداءِ
حينَ وَافى : لا تَجـعَلُوا كَـدُعاءِ ال بَعضِ مِـنكُم محـمَّداً في الدُّعـاءِ
لا تُـنادُوهُ يـا محـمَّدُ جَـهلاً بِـاسمِهِ مـثلَ سَـائِرِ الأسمَاءِ
قـالَ: قُـولي عِـندَ النِّـدا: أبـتاهُ فَـهوَ أَدعَـى مـا بَـينَنَا للـوَلَاءِ
فَـهيَ مَـا أُنـزِلَت بِـعِترَةِ طـه و ذَراريِـه خِـيرَةَ النُّـجبَاءِ
إنَّمَـا أُنـزِلَت بِـقَومٍ جُـفَاةٍ مِن قُـريشٍ مـن غِـلظةٍ وَ جَـفَاءِ

(مؤیّد، ج ۱، ص ۳۰۷)

یعنی: زمانی که این آیه نازل شد: از روی جهل ایشان را همچون دیگران با اسم صدا نزنید و نگویید «یا محمّد»، آن هنگام فاطمه علیها السلام ترسید و صدا زد: ای رسول خدا! پیامبر به حضرت زهرا علیها السلام فرمود: هنگام صدازدن مرا پدر خطاب کن که آن برای من دوست‌داشتنی‌تر است. چراکه این آیه خطاب به عترت و خاندان من نیست؛ بلکه آن در مورد گروهی از قریش نازل شده که از روی درشتی و اهانت چنین می‌کنند.

ب) آیاتی در شأن یکی از خاندان اهل‌بیت علیهم السلام:

۱. ﴿**سُبْحانَ الَّذي أَسْرى بِعَبْدِهِ لَيْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذي بارَكْنا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آياتِنا إِنَّهُ هُوَ السَّميعُ الْبَصيرُ**﴾ (اسراء (۱۷) / ۱): *پاک و منزّه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجدالاقصی ـ که گرداگردش را پربرکت ساخته‌ایم ـ برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چراکه او شنوا و بیناست.*

شأن نزول: این آیه اشاره به داستان معراج پیامبر از مسجد الحرام به مسجدالاقصی و از آنجا به عالم بالا دارد که در سال ۱۲ بعد از بعثت در شب ۲۷ رجب و پس از نماز عشا رخ داد.(طبرسی، ج ۶، ص ۶۰۹)

شرح و توضیح: در قرآن آیات زیادی وجود دارد که مخاطب آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌باشد و با کلماتی چون: «**یا أیها النّبي**» ایشان را مورد خطاب قرار می دهد. در این آیه خداوند، پیامبر را «**عبد الله**» خوانده و از شبی سخن می‌گوید که

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

به شب معراج معروف شده است. در این عروج ربانی خویش با حقایقی روبـرو گشته که شرح قسمتی از آن در کتب روایی وارد شده است.

این آیه و آیاتی نظیر آن همگی به بلندی و رفعت مقام کسی شهادت می دهند که خداوند در این حدیث قدسی او را بهانهٔ خلقت هستی معرّفی می‌کند: «**یـا أحمد، لولَاک ما خلقتُ الأفلاك**» یعنی: *ای پیامبر! اگر تو نبودی، آسمانها را نمی‌آفریدم.* (مجلسی، ج ۵۴، ص ۱۹۹)

شیخ عبدالصمد خامنئی با اقتباس از این آیه به این عروج نورانی اشاره می‌کند:

تُـسری کَـبَدر التَّمِّ سُـبحان الَّـذي أسْرَی بِـبَدرٍ في سَـناهُ یـضللُ

(خامنئی، ص ۲۸)

یعنی: تو ـ ای پیامبر ـ همچون ماه کامل در آسمان حرکت کردی، پـاک و مـنزّه است خدائی که یک ماه (همچون تو) را که آدمی در ستایش او سردرگم می‌شود، در آسـمان (رسالت) حرکت داد.

در جایی دیگر با تلمیح به شب معراج چنین می‌گوید:

أنتَ الَّـذي جـبتَ السَّماواتِ العُـلَی في لیـلةِ الأسْرَاء کَـبَدرٍ یـکملُ

(همان، ص ۳۰)

یعنی: تویی آن که در شب «اسراء» همچون ماه کامل، آسـمانهای رفـیع را پشت سـر نهادی و بالا رفتی.

۲. ﴿**إِنَّ اللهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا صَـلُّوا عَـلَیْهِ وَ سَـلِّمُوا تَسْلیماً**﴾ (احزاب (۳۳) / ۵۶) : *خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستد؛ ای کسـانی کـه ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و سلام گویید (و کاملاً تسلیم فرمان او باشید).*

شرح و توضیح: اینکه خداوند بر بنده‌ای درود فرستد و از همه بخواهد آنها نیز بر او صلوات بفرستند، خود حاکی از مقام و منزلت آن بنده است که چنین از طرف خداوند ستایش می شود.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

هنگامی که این آیه نازل گردید، از پیامبر پرسیده شدای رسول خدا می دانیم که چگونه بر تو سلام کنیم؛ امّاچگونه بر تو درود بفرستیم؟ پیامبر فرمود بگویید: «**اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد**».(مؤیّد، ج ۵، ص ۴۳۷)

شیخ عبد الصمد خامنئی با اقتباس از این آیه، آن را به عنوان حُسن ختام یکی از قصایدش قرار می دهد و می‌گوید:

یا صَحبُ إنَّ محمّداً خیرُ الوَرَی　　صـلّوا عَـلَیه و سَـلِّمُوا تَسـلیماً

(خامنئی، ص ۳۲)

یعنی: ای دوستان، محمّد صلی الله علیه و آله بهترینِ مردم است، (پس) بر او درود فرستید و سلام گویید و کاملاً تسلیم(فرمان او) باشید.

۳. ﴿**وَ ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوی * إِنْ هُوَ إِلاَّ وَحْيٌ یُوحی**﴾ (نجم (۵۳) / ۳ـ۴) : *و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.*

شرح و توضیح: روایت شده هنگامی که پیامبر در آستانه رحلت بودند، از اطرافیان کاغذ و دواتی خواستند تا برای آنها چیزی بنویسند که با تمسّک بدان، هیچ‌گاه گمراه نگردند. ولی عمر در هر مرتبه می‌گفت: پیامبر هذیان می‌گوید و از دادن قلم و دوات خودداری می‌کرد. این آیه می‌توانست پاسخی باشد به آنچه عمر پیامبر را بدان نسبت می داد. پیامبر هیچ‌گاه از روی هوای نفسانی سخنی نمی‌گوید.

شیخ محمّد حسن سمیسم[1] با اقتباس از این آیه چنین می‌گوید:

ما کَان یَـنطِقُ عـن هـواهُ و إنّمـا　　وحـیٌ له یُحـیِي النَّـبيَّ خِـطابا

(مؤیّد، ج ۲، ص ۱۷۴)

یعنی: پیامبر از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید و هر چه را بر زبان می‌آورد، وحی الهی است که ایشان را مورد خطاب قرار می‌دهد.

۱. شیخ محمّد حسن‌بن شیخ هادی(م.۱۳۴۳ق)، از شعرای بزرگ نجف که اکثراشعارش در مورد اهل بیت علیهم السلام با عنوان((سحرالبیان)) سروده شده است.(مؤیّد، باب‌الشعراء)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

۴. ﴿**وَ ما جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتی أَرَيْناكَ إِلاَّ فِتْنَةً لِلنَّاسِ**﴾ (إسراء (۱۷) / ۶۰): *و ما آن رؤیایی را که به تو نشان دادیم، فقط برای آزمایش مردم بود.*

شأن نزول: این آیه به رویایی اشاره می‌کند که پیامبر در مورد بنی‌امیّه دیده بودند. ابن‌مردویه از حسین‌بن علی علیه‌السلام نقل می‌کند که روزی پیامبر خدا ناراحت بود. از ایشان پرسیدند: چه شده یا رسول الله؟ ایشان فرمود: در خواب دیدم که بنی‌امیّه همچون بوزینه، به نوبت، از منبرم بالا می‌رفتند. گفته شد: یا رسول الله، اهمیّت ندهید... این آیه نازل شد. (طبرسی، ج ۶، ص ۶۵۴)

شیخ عبداله الوائل الاحسائی[1] با تلمیح به شأن نزول آیه، چنین می‌سراید:

فَاستطالَت لَها القُرودُ عَلی الأُ سْدِ و مِن قَبلُ أحمَدُ قد رَآهَا

(مؤیّد، ج ۵، ص ۲۶۲)

یعنی: بوزینه‌ها با گستاخی بر شیرها جسارت ورزیدند، (و این چیزی بود که) پیامبر آن را از قبل (در خواب) دیده بود.

۵. ﴿**إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُون**﴾ (مائده (۵) / ۵۵): *سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و آنان که ایمان آورده‌اند؛ همانها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند.*

شأن نزول: روزی سائلی وارد مسجد پیامبر شد و از مردم درخواست کمک نمود. امیرالمؤمنین علیه‌السلام انگشتری خود را که به عنوان غنیمت به دست آورده بودند، در حال رکوع بدو نشان دادند و سائل آن را از دست امام خارج نمود. (واحدی، ص ۲۰۲)

صاحب‌بن عباد[2] در تلمیح به داستان زکات امام علی علیه‌السلام در هنگام رکوع و

---

۱. عبدالله الوائل الاحسائی (۱۲۳۸ق. لهوف ۱۳۰۵) از کتابهای او، کشکول کبیر و دیوان شعراست. (مؤیّد، باب‌الشعراء)

۲. وزیرمؤید الدوله، شاعر، عالم ادیب بارز و سیاستمند حاذق، در سال ۳۲۶ ق در طالقان قزوین متولد شد. شاعر شیعی امامیه و دارای اشعار زیبایی در مدح اهل بیت علیهم‌السلام است. به سال ۳۸۵ ق در ری وفات یافت. (وفیات الأعیان، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۱)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

شجاعت ایشان در جنگها چنین می‌گوید:

قالت: فمن راکـعٌ زکّـی بخـاتمه فقلتُ: أطعنُهم مُذ کان بالأسَلِ

(صاحب‌بن عباد، ص ۴۲)

یعنی: گفت: آن کسی که انگشترش را در رکوع به عنوان زکات مالش پـرداخت، چـه کسی است؟ گفتم: شجاع‌ترین آنها، آن‌گاه که نیزه به دست می‌گرفت.

۶ـ ﴿**یا أَیُّها الرَّسُولُ بَلِّغ ما أُنزِلُ إلیكَ من ربِّكَ و إن لَم تفعَل فما بـلَّغتَ رسـالتَه و اللهُ یَعصمُكَ مِن النّاسِ**﴾ (مائده (۵) / ۶۷): *ای پیامبر، آنچه از خدا بر تو نازل شد، به خلق برسان که اگر نرسانی، پیام او را نرسانده‌ای و خدا تو را از شر مردمان محفوظ خواهد داشت.*

شأن نزول: عموم مفسّران معتقدند این آیه در بازگشت پیامبر از حجّةالوداع و در روز غدیر بر پیامبر نازل شده که پیامبر حضرت علی علیه‌السلام را به عنوان ولی مـردم و جانشین خود قرار دادند.(سیوطی، ج ۲، ص ۲۹۸)

عبدالمهدی مطر[1] با تلمیح به ماجرای غدیر خم، این آیه را در شعر خود چنین به تصویر می‌کشد:

یـومٌ تُـتَوّجکَ السّماءُ بِـبیعَةٍ عَصماء لَم تَعبَثْ بهـا الفَـلَتَاتُ

جِبرِیلُ یَحملُ سِرَّهَـا و مُحـمّدٌ کَانَ المبلِّغَ و القُـلوبُ دُعَـاةُ

(شاکری، ص ۱۷۱)

یعنی: روزی که (ندای) آسمان در بیعتی محکم تو را سیّد و سرور مـردم قـرار داد، بیعتی که هیچ خطا و اشتباهی در آن نبود. جبرئیل حامل این ابلاغ بود و پیامبر مبلّغ آن، و دلها طالب و خواستار آن بودند.

شیخ عبدالعظیم ربیعی[2] نیز با تضمین آیه می سراید:

---

۱. شاعر و عالم دینی در سال ۱۹۰۰م درنجف متولّد شد و در علوم فـقه و اصـول و تـفسیر و حـدیث مهارت یافت. آثار فراوانی به‌ویژه در حوزه شعر دارد. به سال ۱۹۷۵ درگذشت. (شاکری، ص ۱۶۵)

۲. ربیعی (۱۳۲۳ ـ ۱۳۳۹) وی آثار فراوانی در شعر از جمله رباعیات دارد. دیوان او در زمینه شعر شعبی (ملّی) شهرت دارد. (مؤیّد، باب‌الشعراء)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

يـــا رســـولُ بـــلِّغ مـــا أتى　　مِـــــن إلهِ في خـــــيرِ فـــتى
و مـــتى خـالفتَ في أمـرٍ مـتى　　لم تُـــــبَلِّغ قَـــطُّ إن لم تـــفعَل
و لكَ العصمةُ منّا و الضمان

(مؤیّد، ج ۵، ص ۷۵)

یعنی: ای پیامبر خدا، آنچه از جانب خدا در مورد بهترین جوانمرد بر تو آمده، ابلاغ فرما. و هرگاه در ابلاغ این امر مخالفت کنی، گویی هرگز رسالتت را انجام نداده‌ای. و ما محافظ و مراقب تو هستیم.

۷. ﴿وَ وَهَبْنا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنا وَ جَعَلْنا لَهُمْ لِسانَ صِدْقٍ عَلِيًّا﴾ (مریم (۱۹) / ۵۰) : *و از رحمت خویش به آنان ارزانی داشتیم، و ذکر خیر بلندی برایشان قرار دادیم.*

شرح و توضیح: خداوند در این آیه، با اشاره به اهلیّت خاندان نبوی در امر ولایت و هدایت بندگان، این بزرگواران را مشمول فضل و رحمت خود داشته، نام نیکوی ایشان را در زمین و آسمان و در میان انس و جن بلند مرتبه گردانده و تعیین جانشینانی دارای عصمت و مرتبه والا را برای پیامبر ضروری دانسته است. (نک: حویزی، ج ۳، ص ۳۳۹)

عبد المنعم فرطوسی در ملحمه‌اش با اقتباس از این آیه و روایات ذیل آن، گفتگوی پیامبر با خدا درباره امرالمؤمنین علیه‌السلام در شب معراج را چنین به نظم می‌کشد:

قالَ طَه: نُوديتُ مِن عندِ ربّي　　عندَ وقتِ المعراجِ بَعد ارتِقائي:
مَن أحبُّ الوَرى إليک و مَن ذا　　لكَ أضحَى مِن خيرةِ الخُلفاء؟
قُلتُ: ربّي ، أخي و صهري عليٌّ　　و حبيبي و سيّد الأوصياءِ
و أتَى جِبرئيلُ نحوِي فأوحَى　　لِيَ فاقرأ يَا خَاتمَ الأذكيَاء
قد جَعَلنا لسَانَ صِدقٍ عَليّاً　　لَهُم بَعدَ أكرمِ الأصفيَاء

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

(فرطوسی، ج ۱، ص ۲۲۲)

یعنی: پیامبر فرمود: در شب معراج پس از عروجم به آسمان، خداوند مرا مورد خطاب قرار داد و فرمود: چه کسی در نزد تو محبوب‌ترین بندگان است و برترین جانشین پس از تو می‌باشد؟ گفتم: پروردگارا! برادر، داماد و دوست و برترین جانشین من، علی است. جبرئیل نزد من آمد و گفت: بخوان ای آخرین فرستاده: علی را برای بندگان لسان صدق (زبان راستی و درستی) قرار دادیم و او پس از تو والاترین برگزیده و برترین جانشین است.

۸.الف) ﴿**يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقينَ**﴾ (توبه (۹) / ۱۱۹) : *ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید.*

شرح و توضیح: از جابر و ابن‌عبّاس نقل شده است که «**کونوا مع الصادقین**» یعنی «**کونوا مع علي بن أبي‌طالب**» *یعنی همواره همراه (و پشتیبان) علی*علیه‌السلام *باشید که او سیّد و سرور صادقین است.* (طبرسی، ج ۵، ص ۱۲۲)

ب- ﴿**وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ**﴾ (واقعه (۵۶) / ۱۰) : *و (سومین گروه) پیشگامان پیشگامان‌اند.*

شرح و توضیح: این آیه درباره حضرت علی‌علیه‌السلام نازل شده است. ابن مردویه از قول ابن عبّاس می‌گوید که این آیه درمورد حزقیل مومن آل فرعون و حبیب نجار که در سوره یس نام برده شده و علی‌بن ابی‌طالب‌علیه‌السلام نازل شده است و هر کدام از آنها پیشگام امّت خویش است که در میان آنها، علی برترین است.

(طبرسی، ج ۹، ص ۳۲۵)

ابو محمّد سفیان‌بن مصعب عبدی کوفی[1] از شعرای بارز عرب که عمدهٔ اشعارش درباره اهل بیت‌علیهم‌السلام بوده است، در تضمین این آیات چنین می‌سراید:

آلُ النَّبيّ محمّدٍ أهلُ الفضائلِ و المناقبِ

۱. از شعرای اهل بیت‌علیهم‌السلام است که اکثر اشعارش در مدح امام علی‌علیه‌السلام و فرزندان و مصیبتهای آنان آمده است. امام صادق‌علیه‌السلام در حدیثی او راستوده وی چنین می‌فرماید: ای گروه شیعه! به فرزندانتان شعر عبدی را یاد بدهید، چرا که او بر دین و آیین خداست. به سال ۱۲۰ در کوفه وفات یافت.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

المُــرشدونَ مــن العَـمی و المُنقِذونَ مِن اللَّـوازِب
الصَّــادقونَ النَّــاطقونَ السَّـابقونَ إلی الرَّغـائبّ

(مؤیّد، ج ۲، ص ۶۵)

یعنی: خاندان پیامبر، اهل فضائل و مناقب‌اند. ایشان راهنمای انسانهایند در تاریکیها، و و نجات دهندهٔ او هستند از شدائد و سختی‌ها. راستگویانی و ناطقانی که در رسیدن به خواسته‌ها پیشی می‌گیرند.

۹. ﴿**الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ سِرًّا وَ عَلانِیَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لَا هُمْ یَحْزَنُون**﴾ (بقره (۲) / ۲۷۴) : *آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می‌شوند.*

شرح و توضیح: خداوند در این آیه، به تشویق مؤمنان پرداخته و از آنها خواسته مال خود را در راه خدا انفاق کنند و جزای این انفاق را چه در شب باشد و چه روز، چه آشکارا و چه نهانی برخود لازم دانسته به مؤمنان وعده یاری می دهد. مصداق بارز این آیه حضرت علی علیه‌السلام است که یک دینار در روز و یک دینار در شب و یکی آشکارا و برای تشویق دیگر مسلمین بدین کار و یکی پنهانی در راه خدا انفاق می‌فرمود. (نک: حویزی، ج ۱، ص ۲۹۰)

استاد سعید عسیلی عاملی[1] با تضمین این آیه چنین می‌گوید:

إنّ الذیــنَ تــصدَّقوا في مـالِهِم في لیــلِهِم و نَهـارِهِم بِـصِوابِ
سِرّاً عــلانیةً عــلی إحســانِهِم لَهُـمُ الجِـنانُ بِهـا و حُسـنُ مآبِ

(مؤیّد، ج ۲، ص ۶۲)

یعنی: کسانی که اموالشان را در شب و روز انفاق می‌کنند. (انفاق) آشکارا و پنهان از

۱. بـه سـال ۱۳۴۸ ق در جـنوب لبـنان متولد شـد. دارای میراث شـعری عـظیمی است. دیـوان او الشاعرالحزین نام دارد. و ملحمهٔ او نیز به مولدالنور شهرت دارد که تاریخ اسلام را، از زمان ساخت کعبه تا وفات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در بردارد. (مؤیّد، باب‌الشعراء)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

روی احسان و نیکی، (قطعاً) بهشت و عاقبت نیکو از آن آنان است.

۱۰. ﴿**إِنَّا أَعطَينَاكَ الكَوثَرَ**﴾ (کوثر (۱۰۸) / ۱) : *ما به تو کوثر(خیر فراوان) عطا کردیم.*

شأن نزول: پس از وفات پسر بزرگ پیامبر در مکّه، عاص‌بن وائل با هدف زخم زبان زدن به آن حضرت، ایشان را ابتر (نسل بریده و بدون فرزند ذکور) نامید. خداوند در جواب او این سوره را نازل کرده و پیامبر را به خیر کثیر بشارت داد و دشمن او را ابتر خواند. (نک: سیوطی، ج ۶، ص ۴۰۱)

شرح و توضیح: بعضی از مفسّران، منظور از «**کوثر**» در این آیه را حضرت زهرا علیها السلام می دانند که مایهٔ خیر کثیر برای پیامبر بوده و سلالهٔ رسول الله صلی الله علیه و آله در دامان او پرورش یافت. (نک: طبرسی، ج ۱۰،ص ۸۳۷)

سیّد مرتضی قزوینی با تلمیح این آیه چنین می‌گوید:

فَسُورَةُ الْكَوْثَرِ اخْتصَّتْ بِهَا شَرَفاً وَ حَسبُهَا سُورَةٌ تَسْمُو بِعَلْيَاهَا

(مؤیّد، ج ۵، ص ۲۹۷)

یعنی: سورهٔ کوثر در شأن اوست و برای او همین افتخار بس که سوره‌ای، مقام و مرتبهٔ او را بالا برده است.

۱۱. ﴿**إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَيْلَةِ الْقَدْرِ**﴾ (قدر (۹۷) / ۱) : *ما آن(قرآن) را در شب قدر نازل کردیم.*

شرح و توضیح: در تفسیر فرات کوفی از ابی عبدالهف چنین نقل شده که فرمود: در سوره قدر، منظور از «**لیلة**» فاطمه و مراد از «**قدر**» خداوند است. هرکس فاطمه را به خوبی بشناسد شب قدر را درک کرده است. (مؤیّد، ج ۲، ص ۳۲)

استاد جعفر الجعفر[1] در مدح حضرت زهرا علیها السلام با تضمین این آیه چنین می‌گوید:

سلامٌ وَ حتّی مَطلع الفجر نورها سلامٌ علی مَن نورها غیر غائبِ

۱. استاد جعفر محمّدبن أحمد آل جعفر (۱۳۴۱ ـ ۱۴۱۱ ق) در شهر کوخرد در استان هرمزگان ایران به دنیاآمد.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

(همان، ج ۲، ص ۳۲)

یعنی: درود و سلام تا سپیدهٔ صبح بر کسی که نور پرفروغش هرگز محو و غایب نمی‌گردد.

نتیجه

گروهی از احادیث تفسیری که در منابع شیعه و سنی روایت شده، بیانگر شأن نزول آیاتی است که پیرامون منزلت اهل بیت علیهم‌السلام نازل گشته است. از سوی دیگر اقتباس یکی از آرایه‌های ادبی و بلاغی است که همواره در شعر شاعران عرب رایج بوده است. شاعران عرب گاه عبارت قرآنی را همان‌گونه که هست در شعر خود جای داده‌اند و گاه مضمون آن را تضمین نموده‌اند و گاه به شأن نزول آیه اشاره و تلمیح نموده‌اند. اقتباس و تضمین این‌گونه آیات و تلمیح به شأن نزول آنها گواهی عشق و محبّت خالص این شاعران نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام و بیانگر عنایت ادبا و شاعران در استناد به آیات قرآن و روایات می‌باشد. از این رو، اگر چه زبان شاعر زبان حس و عاطفه است، لیکن شعر خود را با پشتوانهٔ عقل و نقل مستند و مستدل می‌سازد.

ما در این مقاله، به آیاتی پرداختیم که محوریّت اهل بیت علیهم‌السلام در آنها به چشم می‌خورد و با نگاهی گذرا بر ابیات شماری از شاعران جهان عرب، میزان محبّت و ارادت خالصانهٔ آنها را به نظاره نشستیم.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

منابع

قرآن کریم.

۱. آذرنوش، آذرتاش. **فرهنگ معاصر عربی فارسی**. تهران: نشر نی، ۱۳۸۱ش.

۲. ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمن‌بن محمّد. **تفسیرالقرآن‌العظیم**. عربستان سعودی: مکتبة نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق.

۳. ابن خلکان، شمس الدین احمدبن محمّد. **وفیات‌الأعیان**. بیروت: دار صادر.

۴. ابن شهر آشوب، أبو جعفر. **مناقب آل أبی‌طالب**. بیروت: دار الأضواء.

۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل‌بن عمرو. **تفسیرالقرآن‌العظیم**. بیروت: دار الکتب العلمیة،منشورات محمّدعلی بیضون، ۱۴۱۹ق.

۶. تمیمی، جعفر صادق حمودی. **معجم‌الشعراءالعراقیین‌المتوفین فی‌العصرالحدیث**. بغداد: شرکة‌المعرفه، ۱۴۱۲ق.

۷. حلی، صفی الدین. **دیوان**. بیروت: دار صادر.

۸. حموی، یاقوت. **معجم‌الأدباء**. بیروت: دارالغرب الإسلامی، ۱۴۱۴ق.

۹. حویزی، علی‌بن جمعه. **تفسیر نورالثقلین**. تحقیق: سیّد هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.

۱۰. حویزی، عبدالحسین. **دیوان**. تحقیق: حمید مجید هدّو، بیروت: دار مکتبة الحیاة، ۱۳۸۴ ق.

۱۱. خامنئی، الشیخ عبد الصمدبن محمّد باقر. **المقتطفات من دیوان**. اشراف: علاّمه آیت الله جعفر سبحانی، قم، ۱۴۱۴ه.

۱۲. دیک الجن. **دیوان**. تحقیق احمد مطلوب، بیروت: دارالثقافة.

۱۳. زرکلی، خیر الدین. **الأعلام**. بیروت، ۱۳۸۹ق.

۱۴. سیّد رضی. **نهج‌البلاغه**. مصحّح: علینقی فیض الاسلام، تهران: انتشارات فقیه، ۱۳۷۹ ش.

۱۵. سیوطی جلال الدین. **الدرالمنثور فی تفسیرالمأثور**. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق..

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]

۱۶. شاکری، حسین. **علی علیه‌السلام فی‌الکتاب والسنة والادب**. قم: انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۱ق.
۱۷. شهیدی، سیّد جعفر. **ترجمهٔ نهج‌البلاغه**. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.
۱۸. صاحب‌بن عباد. **دیوان**. تحقیق: محمّد حسن آل‌یس، قم: موسسه قائم آل محمّد(عج)، ۱۴۱۴ ق.
۱۹. صالحی اندیمشکی، محمّد. **القرآن و فضائل اهل‌البیت**. قم: انتشارات ذوی القربی، ۱۳۸۳ش.
۲۰. طبری، محمّدبن جریر. **ترجمه تفسیر طبری**. تحقیق: حبیب یغمایی، تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۶ش.
۲۱. طبرسی، ابوعلی فضل‌بن‌حسن. **مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن**. تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۲. فرطوسی، عبدالمنعم. **ملحمة اهل‌البیت**. بیروت: دار الزهراء، ۱۳۹۸ ق.
۲۳. فیروز آبادی، سیّد مرتضی. **فضائل‌الخمسة من‌الصحاح‌الستة**. تهران: اسلامیه، ۱۳۹۲ق.
۲۴. فیض کاشانی، ملا محسن. **تفسیر الصافی**. تحقیق: حسین اعلمی، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق.
۲۵. قمی، محدث. **الکنی والألقاب**. نجف، ۱۳۷۶ه.
۲۶. کوفی، فرات‌بن ابراهیم. **تفسیر فرات‌الکوفی**. تحقیق: محمّد کاظم محمودی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۷. مجلسی، محمّد باقر. **بحارالأنوار الجامعة لدُرر اخبارالأئمةالأطهار**. تهران: اسلامیه.
۲۸. مؤیّد، علی حیدر. **الفاطمیات**. بیروت: دار العلوم، ۱۴۲۶ه.
۲۹. واحدی، علی‌بن احمد. **اسباب نزول‌القرآن**. تحقیق: کمال بسیونی زغلول، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
۳۰. هاشمی، احمد. **جواهرالبلاغه فی‌المعانی والبیان والبدیع**. تهران: انتشارات الهام، ۱۳۷۷.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.9.0]